

بررسی عوامل احباط اعمال در آیات و روایات

مرضیه احمدی^۱

چکیده

تفاوت عمل در جهان بینی دینی با دیگر نگرش‌ها در این است که عمل، صرفاً کارکرد مادی و دنیوی ندارد و تنها عملی مایه سعادت و رستگاری است که در بارگاه الهی پذیرفته شود. با تأمل در آیات و روایات می‌توان عواملی را که مانع پذیرش عمل و موجب تباهی آن می‌شود را یافت که یکی از آن‌ها حبط اعمال است. حبط اعمال یکی از موضوعات مهم کلامی است که در آیات قرآن به کار رفته است. در قرآن کریم، واژه «حبط» بیشتر با تعبیر مرکب «حبط اعمال» به کار رفته است که نشان از نابودی اعمال دارد. علاوه بر بیان و دقت بر روی مسئله‌ی حبط عمل توجه ویژه‌ای در آیات قرآن کریم و روایات بر روی عوامل احباط و نابودی عمل شده است که مؤمنین را دائماً از ارتکاب این عوامل زنده‌دارنده، به همین جهت سؤال اصلی نگارش حاضر عوامل احباط عمل در قرآن کریم و روایات معصومین ع است، که با استفاده از روش تبیینی-توصیفی به گزاره‌هایی چون ارتداد، شرک، کفر، نفاق و... دست یافته است.

کلیدواژه: حبط، احباط، عمل، قرآن، روایت، موازنه، موافات.

مقدمه

^۱. دانش پژوه سطح دو، مدرسه علمیه‌ی صدیقه کبری (عج).

«احباط و تکفیر»، از جمله مسائلی است که در آثار کلامی متقدم مورد بحث قرار گرفته و متکلمان پیرو مکاتب مختلف کلامی هر یک بر اساس مبانی و اعتقادات خود، درباره آن به اظهار نظر پرداخته‌اند.

در مسئله «احباط و تکفیر»، بحث‌ها و گفتمان‌های متعددی میان مذاهب اسلامی صورت گرفته است. در میان علمای شیعه نیز با وجود اشتراکاتی، نظیر قبول وقوع اجمالی «حبط اعمال» و «تکفیر گناهان»، اختلافات و تفاوت‌هایی در کیفیت وقوع آن در اعمال و قبول مفاهیم نزدیک به این دو مفهوم، نظیر «موازنه» و «موافات» در اعمال و رفتار انسان دیده می‌شود.

از نظر متکلمین و علماء شیعه احباط تنها مربوط به اعمال کافران و مشرکان است و درباره‌ی مؤمنین صدق نمی‌کند به این معنی که تنها کفر و شرک است که اعمال خوب آدمی را حبط می‌کند و از بین می‌برد و آن را بی‌اثر می‌سازد به طوری که در روز قیامت هیچ‌گونه پاداشی برای آن‌ها داده نمی‌شود (هرچند که ممکن است خداوند در این دنیا به نحوی اعمال نیک کافران را جبران کند و حق آن‌ها را ضایع نسازد).

رویکرد امامیه احباط مورد نظر معتزله باطل است، از این رو حبط به کار رفته در آیات قرآن معنای متفاوتی بامعنای کلامی آن خواهد داشت. عدم تفکیک کاربرد قرآنی آن با آنچه در میان متکلمان رایج است، چالش‌های زیادی را در جهت معناشناسی حبط، متعلق حبط و علل حبط ایجاد می‌کند.

«احباط» از ریشه «حبط» و در لغت به معنای بطلان و بی‌اثر شدن عمل، و در اصطلاح به معنای باطل شدن اعمال نیک بر اثر گناهان است.

این اهمیت که بسیاری از متون قدما و متأخرین را به خود اختصاص داده است نشان از اهمیت عواملی است که موجب احباط اعمال می‌شود، به همین جهت رسالت پژوهش حاضر جست‌وجو و استخراج عوامل حبط اعمال از نظر گاه قرآن کریم و روایات شریف اهل بیت ع است.

به همین منظور برای دستیابی به یافته‌های پژوهش از روش تبیینی-توصیفی استفاده شده و روش جمع‌آوری مطالب نیز به صورت کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است.

۱- مبادی بحث

۱-۱- مفهوم شناسی

الف) «حبط» و «احباط»

فعل «حَبَطَ، يَحْبِطُ» که مصدر آن حَبَط و حبوط است در معانی بطلان ثواب، فاسد کردن فاسدشدن هدر رفتن و خشک شدن آب چاه به کاررفته است. در کتب لغت برای واژه‌ی احباط نیز چندمعنا ذکرشده است که عبارت‌اند از: باطل کردن هدر دادن فاسد کردن خشک شدن (آب چاه) و...^۱. زمخشری استعمال احباط را در معنای مجاز از بین بردن اثر اعمال دانسته.^۲

معنای اصطلاحی احباط

بعد از روشن شدن معنای لغوی احباط لازم است به بررسی معنای اصطلاحی آن بپردازیم و ببینیم که منظور دانشمندان و علمای کلام از آن چیست. این مطلب واضح و آشکار است که قبل از ورود در هر بحثی باید موضوع آن به‌طور کامل روشن شود، زیرا چه‌بسا یک واژه به جهت استعمال‌های متفاوت آن معانی متعددی داشته باشد و اختلاف‌نظرهایی که درباره آن صورت می‌گیرد، شکل صوری و لفظی پیدا کند. چون یک دانشمند، استعمال خاصی را مدنظر دارد و بر اساس آن رأی ویژه‌ای ارائه داده‌اند.

می‌دهد و در مقابل، دانشمند دیگری بر اساس استعمال دیگر آن واژه، رأی مخالف آن می‌دهد، درحالی‌که درواقع امر هر دو نظر صحیح یا غلط است و هیچ تناقضی و اختلاف حقیقی بین آن دو رأی وجود ندارد و یا یکی از دو نظر صحیح است.

در بحث ما نیز باید روشن شود که مراد متکلمان اسلامی از احباط چیست؟ و آیا بر استعمالی که مدنظر آن‌ها است اتفاق نظر دارند؟ و در صورت اتفاق آیا استعمال آنان با استعمال در قرآن و احادیث، هماهنگ است یا نه؟ مسئله هماهنگی یا عدم هماهنگی این دو استعمال، با مباحثی که در فصل‌های بعدی مطرح می‌شود، روشن می‌گردد. در این قسمت فقط به بیان مقصود و مراد متکلمان اکتفا می‌شود.

این نکته درخور توجه است که معمولاً هرگاه سخن از احباط^۳ به میان می‌آید دو مسئله احباط و تکفیر در کنار هم موردبررسی قرار می‌گیرند، حتی گاهی احباط به نحوی تعریف و تعقیب می‌شود که اعم از تکفیر و یا به

۱. أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَ الْكَافِرِ أَوْ أَبْطَلَهُ، (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۱۲۹. ابن اثیر، النهاية، ج ۱، ص ۳۳۱. طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۴۰). أَحْبَطَتِ الْعَمَلَ وَالْذَّمَّ أَهْدَرَتْهُ. إِذَا عَمَلَ الرَّجُلُ عَمَلًا ثُمَّ أَفْسَدَهُ قِيلَ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ أَحْبَطَهُ صَاحِبُهُ، (زبیدی، تاج العروس، ج ۵، ص ۱۱۶). أَحْبَطَ مَاءَ الرِّكْيَةِ: ذَهَبَ ذَهَابًا لَا يَعُودُ كَمَا كَانَ، (شرتونی، اقرب الموارد، ج ۱، ص ۱۵۷).

۲. مِنَ الْمَجَازِ حَبِطَ عَمَلُهُ حَبُوطًا وَ حَبِطًا بِالسَّكُونِ وَأَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ، (زمخشری، اساس البلاغة، ص ۱۴۹ - ۱۵۰).

معنای "تحابط" و "موازنه" است. از آنجاکه در این نوشتار برای هر یک بخش‌های جداگانه‌ای اختصاص داده شده است، از هر کدام به‌طور مستقل بحث خواهد شد مگر در مواردی که چاره‌ای از آن نباشد.

متکلمان در مورد تعریف احباط و بیان معنای اصطلاحی آن اتفاق نظر ندارند و حتی بعضی از آنان^۱ در نوشته‌های خود عبارات مختلفی در این مورد دارند که می‌توان تعاریف گوناگونی را از آن استخراج کرد؛ بنابراین نسبت دادن تعریف واحد به آنان محل تأمل است.

در هر صورت، در این قسمت به نقل تعاریفی چند که توسط بزرگان فن ارائه شده و یا از کلام آنان استفاده می‌شود می‌پردازیم.

۱. «احباط» یعنی اینکه گناه (ذنوب)، اعمال نیک را باطل سازد، شیخ مفید^۲.

۲. یعنی یک ذنب تمام طاعات را حبط کند، (عبد القاهر)^۳.

۳. در صورتی که درجه عقاب برتر از درجه ثواب باشد، ثواب به وسیله‌ی عقاب حبط می‌شود قاضی عبدالجبار و امام فخر رازی^۴.

۴. یعنی معصیت یا عقاب آن طاعت یا ثواب آن را باطل سازد. (سید مرتضی)^۵.

۵. اینکه عقاب ثواب را اسقاط کند، قاضی شرف‌الدین^۶.

۶. اینکه استحقاق زیاد استحقاق ناقص را حبط کند و زائد به تمامی آن باقی بماند، خواجه نصیرالدین^۷.

۷. یعنی گناه کبیره اعمال صالح را حبط کند، (خواجه نصیرالدین طوسی)^۸.

۸. اینکه به دنبال طاعت، معصیت بیاید و اولی به وسیله دومی حبط و ساقط شود. (ابن میثم)^۹.

۹. بدین معنا که مکلف ثواب متقدم خویش را به وسیله معصیت متأخرش ساقط کند. (علامه حلی)^{۱۰}.

^۱. تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۱۴۰، ۱۴۲.

^۲. مفید، الحکایات، ص ۶۲.

^۳. حائری، اصول الدین، ص ۲۴۲.

^۴. قاضی، شرح الاصول الخمسة، ص ۱۳۸. رازی، محصل افکار المتقدمین، ص ۵۶۲.

^۵. الحدود والحقائق که در کتاب "الذکر الالفیة شیخ طوسی، ج ۲، ص ۱۵۰ آمده است.

^۶. همان مدرک، ص ۱۹.

^۷. طوسی، فصول العقاید، ص ۲۳.

^۸. طوسی، قواعد العقاید، ص ۹۴ از کشف الفوائد.

^۹. بحرانی، قواعد المرام، ص ۱۶۴.

۱۰. منظور از احباط این است که مکلف مرتکب گناه کبیره شود و تمام اعمال صالحش حبط و ساقط گردد، علامه حلی.^۲

۱۱. از نوشته تفتازانی می‌توان تعاریف ذیل را استخراج کرد:

الف. "احباط، یعنی اینکه سیئه، حسنه را ابطال کند.

ب. سیئات، حسنات را حبط کند.

ج: گناه کبیره تمام طاعات را حبط کند.^۳

۱۲. «احباط» یعنی، خارج شدن فاعل اطاعت، از داشتن استحقاق مدح و ثواب به‌سوی دارا شدن استحقاق ذم و عقاب، (فاضل مقداد).^۴

۱۳. «احباط» عبارت است از ابطال حسنه بدین نحو که اثر مورد انتظار از آن بر آن مترتب نشود، (علامه مجلسی).^۵

۱۴. علامه شعرانی آن را چنین تعریف می‌کند احباط آن است که مکلف عملی صحیح به‌جا آورد مطابق شرایط و دستور الهی هنگامی که از او عمل پذیرفته است و ثواب بر آن مترتب شده است، اما به سبب گناه متأخر، ثواب به او ندهند با آنکه مستحق بود.^۶

۱۵. آیت‌الله معرفت حفظه الله - احباط را چنین توضیح می‌دهد. احباط؛ یعنی گناه لا حق حسنه‌ی سابق را محو و نابود سازد.^۷

۱۶. آیت‌الله سبحانی - حفظه الله - می‌نویسد:

مقصود از حبط آن است که ثواب عمل صالح به‌واسطه گناهان بعدی ساقط شود.^۸

^۱. طوسی، کشف المراد، المقصد السادس، ص ۴۹۳.

^۲. حلی، کشف الفوائد، ص ۹۴.

^۳. تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۱۴۰-۱۴۲.

^۴. مقداد، ارشاد الطالبین، ص ۲۰۲.

^۵. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۹۷.

^۶. شعرانی، ترجمه و شرح تجرید الاعتقاد، ص ۵۷۹.

^۷. معرفت، التمهید، ج ۳، ص ۳۷۰.

^۸. ابن سینا، اللهیات، ج ۴، ص ۳۶۳؛ تهرانی، معادشناسی، ص ۲۱۹.

از پژوهش حاضر میتوان این گونه ارزیابی نمود که در قرآن کریم به عواملی در جهت احباط عمل میپردازد که رابطه ی اولی با مساله ی توحید دارد و ناظر به توحید ذاتی خداوند است لذا ارتداد، شرک و کفر و نفاق و تکذیب معاد جزو عوامل احباط عمل میشود.

اما در روایات معصومین (علیهم السلام) ناظر به مسائل فروع دین و اصول مذهب می باشد و از این میان نپذیرفتن ولایت امیرالمومنین و بی صبری و ترک عمدی نماز و ریا و ... جزو عوامل حبط به شمار رفته است. البته باید خاطر نشان کرد عوامل احباط در روایات با دقت موشکافانه تر می تواند فراتر از پژوهش حاضر باشد ولی پژوهش حاضر به اندازه وسع و توان نگارنده به جمع آوری عوامل احباط پرداخته و از پرداختن به عوامل تکفیر به جهت طولانی شدن مقاله پرهیز شده است.

لازم است سایر نگارنده گان به بررسی عوامل تکفیر در آیات و روایات بپردازند.

منابع

- *قرآن کریم ترجمہی الہی قمشہای.
- *نہج البلاغہ، ترجمہی محمد دشتی.
- ابن اثیر، مجد الدین، **النهاية في غريب الحديث والأثر** (تحقيق: طاهر أحمد الزاوي - محمود محمد الطناحي)، بيروت: المكتبة العلمية، چاپ اول، ۱۳۹۹ق،
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، **الإلهيات من كتاب الشفاء** (تحقيق حسن حسنزاده عاملي)، قم: مكتبة الاعلام الاسلامي، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- ابن فارس، ابوالحسن، **معجم مقاييس اللغة**، قم: انتشارات تبليغات اسلامي، چاپ اول، ۱۳۹۹ هـ.ش.
- ابن منظور، جمال الدين، **لسان العرب**، بيروت: دار الصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
- البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله، **صحيح البخاري** (تحقيق محمد زهير بن ناصر)، بيروت: دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- الشيباني، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد، **مسند الامام احمد بن حنبل** (تحقيق: أحمد محمد شاكر)، قاهره: دار الحديث، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- القيومي المقرئ، أحمد بن محمد بن علي، **مصباح المنير** (محقق يوسف الشيخ محمد)، بيروت: المكتبة العصرية، چاپ دوم، ۱۴۱۸ هـ ق.
- المشهدي، ميرزا محمد، **كنز الدقائق**، قم: انتشارات جامعه مدرسين، ۱۴۰۷ ق.
- آلوسی، شهاب الدين محمد، **روح المعاني** (على عبد الباري عطية)، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- بحرانی، ابن میثم، **قواعد المرام في علم الكلام**، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، **تفسير البيضاوي**، بيروت: دار الرشيد، ۱۴۲۱ق.

- تفتازانی، سعد الدین، شرح المقاصد، قم: شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
- حائری، سید کاظم، اصول الدین، قم: انتشارات دار البشیر، چاپ چهارم، ۱۴۳۲ ق.
- حسینی طهرانی، محمد حسین، معاد شناسی، مشهد: نور ملکوت قرآن، چاپ اول، ۱۴۲۷ ق.
- رازی، فخر الدین، التفسیر الکبیر، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
- زبیدی، مرتضی، تاج العروس، بیروت: نشر دارالفکر، بیتا.
- زمخشری، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، اساس البلاغة (تحقیق: محمد باسل عیون السود)، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، بیروت: دار المعرفة، چاپ دوم، ۱۴۳۰ ق.
- سبحانی، محمد تقی، منشور جاوید، قم: مؤسسه امام صادق، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- شرتونی، سعید، أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، بی جایی تا.
- شعرانی، ابوالحسن، ترجمه و شرح تجرید الاعتقاد، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ هشتم، ۱۳۷۶ ش.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، الخصال، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
- طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، (ترجمه محمدباقر موسوی همدانی)، قم: دفتر انتشارات جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، (تحقیق و تعلیق: جنه من العلماء والمحققین الأخصائیین)، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- طبری، ابن جریر، جامع البیان، بی جایی تا.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، (تحقیق: احمد الحسینی)، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ چهارم، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن (تحقیق احمد حبیب عاملی)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- طوسی، نصیر الدین محمد بن محمد، فصول العقاید، قم: مطبعه معارف، چاپ اول، ۱۹۶۰ م.
- طوسی، نصیر الدین، قواعد العقاید (تحقیق علی ربانی گلپایگانی)، قم: لجنة إدارة الحوزة العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

- عاملی، محمد بن حسن (شیخ حر)، وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل بیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، کشف الفوائد فی شرح قواعد العقائد للمحقق الطوسی، بیروت: دار الصفوه، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی (تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی)، تهران: المطبعة العلمية، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- فخر الدین رازی، محمد بن عمر، محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من العلماء و الحكماء و المتکلمین، قاهره، مکتبه الکیات الازهر، بی تا.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
- قاضی، عبدالجبار بن احمد، شرح الاصول الخمسه (تصحیح سمیر مصطفی رباب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس القرآن، تهران: دارالکتب اسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- قرطبی، محمد بن أحمد الأنصاری، الجامع الاحکام القرآن (أحمد البردونی وإبراهیم أطفیش)، قاهره: دار الکتب المصریه، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، تهران: دار الکتب السلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال (تصحیح بکری حیانی)، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
- مجلسی، محمدباقر، مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول ع (تصحیح سید هاشم رسولی)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- مجلسی، محمدباقر، آداب معاشرت، (ترجمه محمدباقر کمره ای)، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۴ هـ.ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار: بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر، چاپ اول، ۱۳۶۰ هـ.ش.
- معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۸۶ ش.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الحکایات (تحقیق سید محمد رضا الحسینی)، قم: مهر، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

- مقدار، فاضل، إرشاد الطالبین إلى نهج المسترشدين، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی ره، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامی، چاپ سی و پنجم، ۱۴۰۰ هـ.ش.
- ملاصدرا، شرح اصول کافی (تحقیق محمد خواجهوی)، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.